

فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره چهل و دوم، پاییز ۱۳۹۵: ۱۳۸-۱۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۰۲

تحلیل فرایند سرمدخل‌گزینی کلمات مرکب در دو فرهنگ «سخن» و «معاصر»

* روح‌الله افراه

** سید مهدی سمایی

*** بلقیس روشن

**** بهمن زندی

چکیده

این مطالعه، با این پرسش‌ها آغاز می‌شود که اولاً آیا مؤلفان فرهنگ‌های مختلف لغت فارسی معاصر، کلمات مرکبی را که با قواعد واژه‌سازی زایا ساخته می‌شود، به عنوان سرمدخل‌های فرهنگ‌های خویش انتخاب می‌کنند و ثانیاً آیا آنها روش واحدی برای سرمدخل‌گزینی در فرهنگ‌نویسی دارند یا خیر. برای انجام این تحقیق، دو فرهنگ لغت فارسی یک‌زبانه عمومی «سخن» حسن انوری (۱۳۸۲) و «معاصر» (امروز) غلامحسین صدری افشار (۱۳۸۱) که به فارسی امروز نزدیک هستند، انتخاب شده است. در این مطالعه که به روش توصیفی و کتابخانه‌ای انجام شد، ابتدا کلمات مرکب سرمدخل موجود در فرهنگ‌های لغت یادشده استخراج شد که بالغ بر ۴۹۵ کلمه در فرهنگ انوری و ۶۰۵ مورد در فرهنگ صدری افشار بود. سپس با استفاده از دسته‌بندی‌های طباطبایی (۱۳۸۶-۱۳۸۹) در بیست و پنج ساختار مختلف قرار گرفت و با بررسی‌های انجام‌شده، مشخص گردید که حتی کلماتی که با استفاده از قواعد واژه‌سازی زایا و قابل پیش‌بینی (مانند «اسم + بن مضارع» که فرآیندی بن‌ساختی است) ساخته می‌شود، هم در این فرهنگ‌ها به عنوان سرمدخل قرار گرفته‌اند. نتیجه به دست آمده این است که مفهوم کلمه‌شدگی، که گاه کلمگی نامیده می‌شود و عبارت است از تغییر واحد زبانی

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور

** استادیار گروه زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات، تهران (ایرانداک)

*** دانشیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور

**** استاد گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور

rafrahl@gmail.com

samai@iranodoc.ac.ir

bl_rovshan@pnu.ac.ir

b_zandi@pnu.ac.ir

بزرگ‌تر از کلمه، مانند جمله، پاره گفتار و مانند آنها، در یک زبان به واسطه استفاده زیاد گویشوران آن زبان و تبدیل آنها به کلمه، به عنوان اصلی‌ترین عامل سرمدخل‌شدگی به شمار می‌رود؛ یعنی ترکیباتی که بسامد وقوع بسیار بالایی در استفاده زبانی گویشوران فارسی دارد، حتی اگر دارای ساختاری قاعده‌مند هم باشد، به عنوان سرمدخل انتخاب می‌شود. از سویی دیگر، این تحقیق مشخص کرد که نویسندگان فرهنگ‌های لغت، تقریباً روشی واحد برای انتخاب سرمدخل‌ها دارند.

واژه‌های کلیدی: ترکیب، قواعد واژه‌سازی، زایایی، فرهنگ‌نگاری، سرمدخل.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در میان ارکان گوناگون زبان‌شناسی، ساخت واژه (صرف) رکن بااهمیتی است که ساختمان درونی واژگان موجود در یک زبان را بررسی و روند ساخت واژگان جدید را روشن می‌کند. یکی از روش‌های شناخت این فرایند، رویکرد به ترکیب و واژگان ترکیبی است. منظور از واژگان ترکیبی، واژگانی است که از ترکیب دو یا چند تکواژ آزاد ساخته می‌شوند و کلمه‌ای جدید با معنایی نو می‌سازند (محمودی بختیاری، ۱۳۸۹: ۳۱).

یک نگاه به زمینه‌های تحقیقی درباره‌ی واژه‌سازی ترکیبی، اسامی بسیاری را پیش رو قرار می‌دهد که بدون بهره‌گیری از تلاش‌های آنان، امر تحقیق در این زمینه، اگر غیرممکن نباشد، دشوار می‌گردد. از جمله این افراد می‌توان از بلومفیلد^۱، بلی^۲، مرچند^۳، اسپنسر^۴، فب^۵، اولسن^۶، بائر^۷، هاسپلمت^۸، بویج^۹، اسکالیسه و بیستو^{۱۰}، و دی‌چیولو^{۱۱} نام برد.

مقوله‌ی واژگان ترکیبی از موضوعات مورد علاقه محققان ایرانی نیز بوده است و تلاش‌های محققانه استادانی همچون طباطبایی، پهلوان‌نژاد (۱۳۸۵)، محمودی بختیاری (۱۳۸۹) و... برای پژوهشگران در این زمینه راه‌گشا و بسیار قابل اعتناست؛ به‌ویژه مقالات علاءالدین طباطبایی که در نامه‌ی فرهنگستان در سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۹ انتشار یافت. او در آن مقالات، ساخت‌های ترکیبی فارسی را در ۲۵ دسته تقسیم کردند و بسیاری از معضلات زبان فارسی را بازگشودند. در این تحقیق نیز همین دسته‌بندی‌ها، ملاک و معیار عمل گردید و به نوعی چارچوب نظری آن را فراهم آورد.

از منظر تاریخی، دیرینگی فرهنگ‌نگاری به هزاره سوم پیش از میلاد، یعنی زمان اکدیان و بابلی‌ها بازمی‌گردد. به گفته‌ی استرکنبرگ، بابلی‌ها اولین بار فرهنگ «مترادف بنیاد» را بنیان نهادند و از آن نیاز به فرهنگ‌نگاری شرایطی فراهم آورد که فرهنگ‌های

1. Bloomfield
2. Bally
3. Merchand
4. Spencer
5. Fabb
6. Olsen
7. Bauer
8. Haspelmath
9. Boojj
10. Scalise & Bisetto
11. Di Sciullo

گوناگونی با رویکردهای مختلف تدوین شد؛ مثل فرهنگ لغت عمومی، جامع، گویشی، تخصصی یک‌زبانه و چندزبانه. گوناگونی فرهنگ‌ها به نیازهای مختلف تجاری، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی افراد جوامع و حکومت‌های گوناگون مربوط می‌شود (Sterkenburg, 2003: 8).

فرهنگ‌نگاری در ایران، طبق گفته مرادی (۱۳۹۲) و وثوقی (۱۳۸۲)، به قبل از اسلام بازمی‌گردد. نخستین فرهنگ لغت فارسی در قرن پنجم هجری توسط اسدی طوسی با عنوان «لغت‌نامه فرس» تدوین شد (قطره، ۱۳۸۶: ۲). اما خانم قطره به حق فرهنگ‌نویسی ایران را مبتنی بر شیوه‌ای علمی نمی‌داند و یکی از مهم‌ترین دلایل آن را این مسئله می‌داند که فرهنگ‌نامه را ادبا تدوین می‌کنند، نه زبان‌شناسان. فرهنگ‌نگاری در ایران معمولاً برای رفع بغرنجی‌های متون ادبی انجام می‌شود.

پس از نشر موازین علم زبان‌شناسی، فرهنگ‌نگاری با رویکرد علمی صورت پذیرفت و شکل گرفت. افرادی مانند محمد دبیرسیاقی، علی‌محمد حق‌شناس، حسن انوری، علی‌اشرف صادقی، محمدرضا باطنی، عبدالرحمان پرهام و... مطالعاتی در این زمینه انجام داده‌اند که در آنها بیشتر به شیوه نگارش و تألیف فرهنگ توجه شده است و هیچ‌یک از این محققان به بررسی چگونگی انتخاب سرمدخل فرهنگ‌ها با نگاهی ساختارانه عنایتی نداشتند؛ در حالی که همگان بر اهمیت سرمدخل‌ها پی برده بودند. زبان‌شناسی کاربردی، فرهنگ‌نگاری را یکی از شاخه‌های مهم این علم می‌شناسد و ضمن تبیین مراحل مختلف آن، که به اختصار شامل جمع‌آوری پیکره و تجزیه و تحلیل آن با بهره‌گیری از علم واژه‌شناسی می‌شود، به استخراج ویژگی‌های معنایی کلامی، نحوی و کاربردی عناصری که در پیکره زبان دخیل‌اند، توجه ویژه دارد.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که در فرهنگ‌نگاری مطمح‌نظر زبان‌شناسان است، انتخاب سرمدخل یا مدخل‌گزینی است. به طور کلی، دو تفاوت عمده در شیوه ثبت کلمات مرکب در فرهنگ‌های لغت مکتوب وجود دارد: نخست اینکه گروهی، مانند زگوستا (شریفی و فخام‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۱)، وجود یک کلمه مرکب را به صورت یک فرایند پنداشته و آن را در فرهنگ لغت ثبت‌شدنی می‌دانند، به عنوان مثال، آنها کلمات مرکب «آب هویج» و یا «آب پرتقال» را ثبت می‌کنند ولی آب کیوی را شامل نمی‌کنند و در

مقابل، گروهی دیگر، مانند انوری (۱۳۸۲)، هیچکدام از این ترکیبات را مدخل قرار نمی‌دهند و معتقدند که آنها ترکیباتی نحوی هستند و نه واژگانی، چرا که با کسره اضافی و در محور هم‌نشینی به هم ربط پیدا می‌کنند و به همین دلیل آنها را زیرمدخل هویج، پرتقال و کیوی قرار می‌دهند. دومین تفاوت، چگونگی برخورد با ترکیباتی است که به صورت زایا ساخته می‌شوند، یعنی کاملاً با قواعد واژه‌سازی تطابق دارند. به عنوان نمونه، هر بن فعلی مضارع را می‌توانیم با یک اسم ترکیب کرده و یک واژه مرکب بسازیم؛ مثل زبان‌شناس، پوست‌کن، نان‌آور و مثال‌های دیگر. برخی از فرهنگ‌ها، مانند صدی افشار (۱۳۸۱)، این نوع ترکیبات زایا را، به این دلیل که در واژگان ذهنی گویشوران زبان وجود دارند و لاجرم باید در فرهنگ‌های لغت مکتوب، که نسخه چاپی واژگان ذهن است هم حضور داشته باشند، به عنوان سرمدخل انتخاب می‌کنند. عده‌ای دیگر اما اعتقادی به این نظر ندارند و عقیده دارند که چون این ترکیبات زایا و با استفاده از قواعد واژه‌سازی، قابل پیش‌بینی هستند و هر گویشوری هم نسبت به آنها کاملاً آگاه است، پس نیازی به ثبت در فرهنگ لغت ندارند (طباطبایی، ۱۳۸۶ الف: ۹۶). به عقیده این گروه، چیزی که در فرهنگ‌های لغت به عنوان سرمدخل می‌آید، نباید محصول قواعد زایای واژه‌سازی آن زبان باشد. در این میان، پشش دیگری که پیش می‌آید این است که آیا انتخاب کردن و یا نکردن کلمات مرکب به عنوان سرمدخل، به صورتی منسجم و هم‌بسته در تمامی کلمات موجود در یک فرهنگ لغت، ساری و جاری بوده و یا اینکه فرهنگ‌نویسان با روشی ترکیبی (eclectic)، گاه یک کلمه مرکب را سرمدخل کرده و گاه نکرده‌اند؟ این پرسش و ده‌ها پرسش مشابه دیگر، خود می‌توانند محرکی باشند برای تحقیق بیشتر در حوزه بسیار کاربردی و در عین حال کمتر کارشده فرهنگ‌نویسی (شریفی و فخامزاده، ۱۳۸۶، صادقی، ۱۳۸۸ و هاشمی میناباد، ۱۳۷۰).

این تحقیق بر آن است تا با بررسی ساخت‌واژی و قواعد واژه‌سازی موجود در سرمدخل‌های فرهنگ‌های لغت تک‌زبانۀ عمومی فارسی معاصر، چگونگی انتخاب آنها و دلایل تفاوت‌ها و شباهت‌های احتمالی میان آنان را ارزیابی کند و از آنجا که بررسی تک‌تک اطلاعات موجود در فرهنگ‌ها و مقایسه آنها با یکدیگر در یک تحقیق علمی، اصل اقتصادی بودن آن را زیر سؤال می‌برد، این مطالعه به صورت توصیفی و تحلیل محتوایی،

تنها به ارزیابی کلمات پیچیده و نه بسیط و از میان آنها به کلمات مرکب^۱ می‌پردازد. روش روش گردآوری اطلاعات این تحقیق، کتابخانه‌ای، اسنادی و فیش‌برداری است و به این منظور، از چک لیستی محقق ساخته (شامل چهار ستون: ترکیب، نوع ترکیب، نام فرهنگ لغت و معنا در صورت نیاز) به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات استفاده شده است. قلمرو تحقیق و جامعه آماری آن، کلمات مرکب موجود در فرهنگ‌های لغت تک‌زبانۀ عمومی فارسی معاصر است که بر اساس روش هدفمند انتخابی و با توجه به نزدیک بودن آنها به فارسی معیار امروز، دو فرهنگ لغت «معاصر» (امروز) غلامحسین صدری افشار (۱۳۸۱) و «سخن» حسن انوری (۱۳۸۲) نمونه‌گیری شده است. داده‌های این تحقیق هم به صورت آماری و تفسیری، تجزیه و تحلیل می‌شود.

روش پژوهش

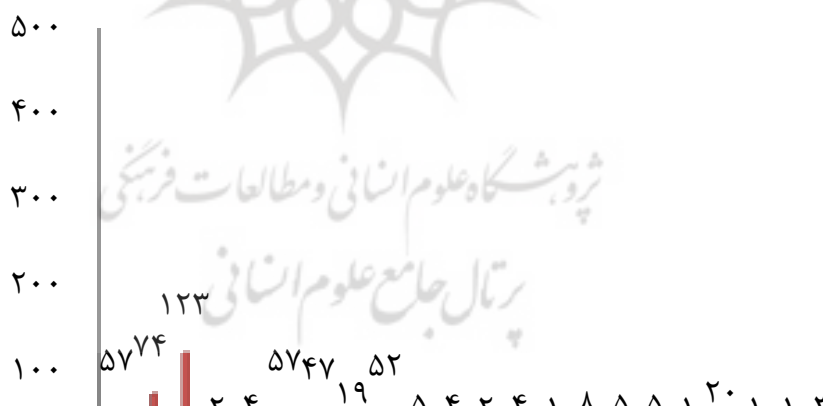
برای انجام این تحقیق، ابتدا فرهنگ لغت انوری بررسی شد و ترکیبات موجود در آن استخراج گردید. پس از آن به مطالعه ساختاری (و در صورت نیاز، مطالعه معنایی) آنها پرداخته شد، تا روش‌های به‌کاررفته در ساخت این ترکیبات به دست آید. سپس همین مراحل برای فرهنگ لغت صدری افشار هم طی شد.

فرهنگ سخن انوری

با بررسی‌های به‌عمل‌آمده در سرمدخل‌های فرهنگ سخن انوری، تعداد ۴۹۵ کلمه مرکب استخراج شد. بررسی ساختاری و گاه معنایی آنها، محققان را به شناخت ۲۲ فرآیند مختلف واژه‌سازی رهنمون کرد (جدول ۱ و شکل ۱) که هر کدام از یک تا چند بسامد وقوع داشته‌اند.

جدول ۱- فرآیندهای ترکیب‌ساز موجود در سرمدخل‌های مرکب انوری با مثال

ردیف	فرآیندهای ترکیب‌ساز	ردیف	فرآیندهای ترکیب‌ساز
۱	اسم + اسم (کسره اضافه بالقوه): آب اسید	۱۲	حرف اضافه + اسم + اسم = پس‌فرداشب
۲	اسم + اسم (اضافی مقلوب): آب انبار	۱۳	حرف اضافه + اسم = زیرسیگاری
۳	اسم + بن مضارع: آب چر	۱۴	اسم + پیشوند + صفت مفعولی = آب نکشیده
۴	اسم + (و) + اسم (و) + اسم = شاه دزد و وزیر	۱۵	صفت + (و) + صفت = جوگندمی
۵	اسم + بن مضارعی که معنای صفت مفعولی دارد = طعنه‌آمیز	۱۶	اسم + پیشوند + بن مضارع = حق‌ناشناس
۶	اسم + (و) + اسم = چک و پوز	۱۷	اسم + حرف اضافه + اسم = حلقه به گوش
۷	اسم + صفت: عروسکی	۱۸	قید + اسم = همیشه بهار
۸	اسم + صفت مفعولی = جامانده	۱۹	اسم + اسم = چارپا (اسم اول نقش صفت)
۹	صفت + اسم = تیزرو	۲۰	قید + بن مضارع = بازپرور
۱۰	صفت + بن مضارع = درازنویس	۲۱	اسم + (و) + اسم + صفت = چشم و گوش بسته
۱۱	حرف اضافه + اسم + صفت = بربادرفته	۲۲	اسم + اسم = خداوکیلی (اسم دوم نقش صفت)



شکل ۱- نمودار بسامد وقوع فرآیندهای ترکیب‌ساز موجود

در سرمدخل‌های مرکب انوری

توصیف نمودار^۱

در مطالعه فرآیندهای ترکیب‌ساز در سرمدخل‌های مرکب فرهنگ لغت انوری، ۲۲ فرآیند مختلف رصد شده است. این نمودار، در طول، تعداد کل کلمات مرکب سرمدخل را نشان می‌دهد که ۴۹۵ است و در عرض هم تعداد وقوع فرآیندهای ۲۲‌گانه را به تفکیک نشان می‌دهد.

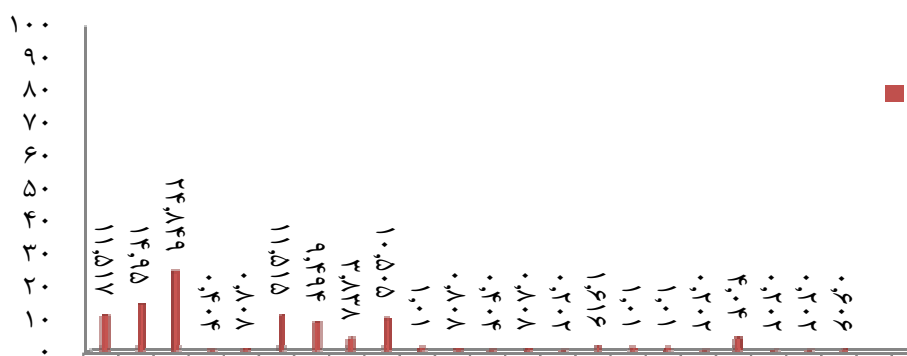
از این منظر، فرآیند سوم این نمودار که یک فرآیند بن‌ساختی است، یعنی فرآیند اسم + بن مضارع، دارای بیشترین بسامد وقوع بوده است و ۱۲۳ مورد از ۴۹۵ مورد یافت‌شده از این طریق ساخته شده است. هر چند این فرآیند، خود فرآیندی نحوی و قابل پیش‌بینی است و گویشوران زبان فارسی، این قاعده کلی را می‌دانند و در ظاهر، نیازی به ذکر این نوع ترکیبات در یک فرهنگ لغت نیست، در اینجا این فرآیند، بیشترین تعداد وقوع را داشته است. پس از آن با فاصله‌ای نسبتاً زیاد، فرآیند اسم + اسم که در واقع همان ترکیب اضافی مقلوب است، با ۷۴ تعداد تکرار قرار می‌گیرد. فرآیندهای ۱ و ۶ یعنی اسم + اسم با کسره اضافه بالقوه و اسم + (و) + اسم که در واقع به نوعی همان ترکیب دوتایی^۱ است، به طور مشترک و با ۵۷ مورد وقوع در مرتبه بعدی قرار می‌گیرند که به نظر می‌رسد برای ترکیباتی با کسره اضافه بالقوه، گذر زمان و تغییرات واجی و آوایی اجتناب‌ناپذیر زبانی، باعث حذف کسره اضافه شده، ولی ترکیب به همان‌گونه دست‌نخورده باقی مانده است.

فرآیندهای صفت‌دار صفت + اسم و اسم + صفت هم با ۵۲ و ۴۷ مورد وقوع در کلمات مرکب سرمدخل فرهنگ انوری یافت شده است.

پس از فرآیندهای اسم + اسم که اسم اول، نقش صفت را بازی می‌کند و اسم + صفت مفعولی که به ترتیب ۲۰ و ۱۹ بسامد وقوع داشته‌اند، بقیه ۱۴ فرآیند دیگر، تعداد وقوع کمتر از ۱۰ داشته‌اند.

نکته مهم در این ۱۴ مورد این است که بیشتر آنها فرآیندهای سه‌جزیی هستند که شاید نشان‌دهنده کم‌تحرك بودن این فرآیندها در ترکیب‌سازی فارسی امروز باشد. کمترین بسامد وقوع هم مربوط به فرآیندهای اسم + پیشوند + صفت مفعولی، قید + اسم، قید + بن مضارع و اسم + (و) + اسم + صفت با تنها ۱ مورد است.

1. Bahuvihi



شکل ۲- نمودار درصد وقوع فرآیندهای ترکیب‌ساز موجود در سرمدخل‌های مرکب انوری

توصیف نمودار ۲

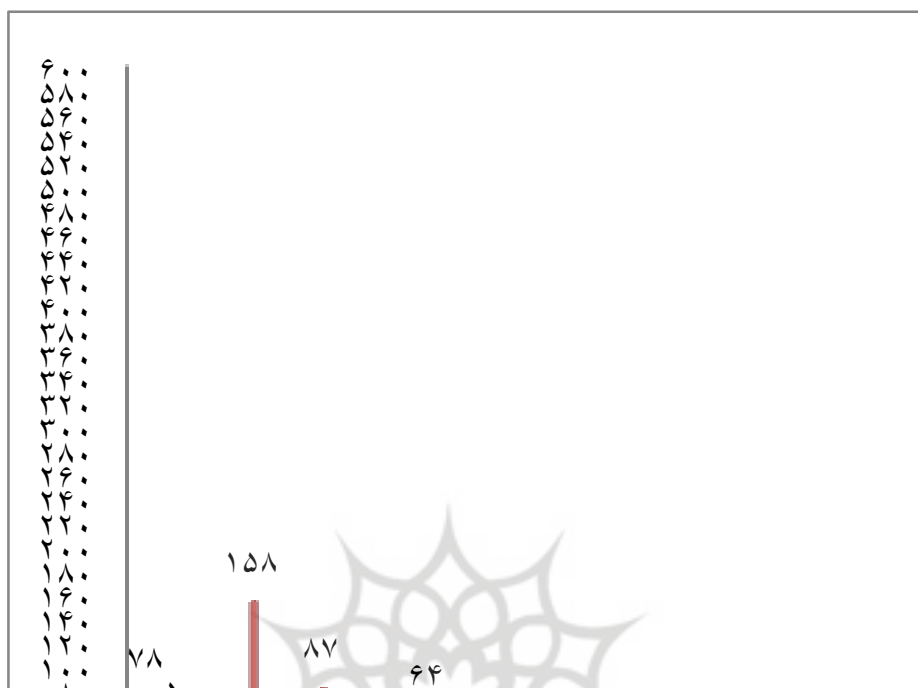
این نمودار در ادامه نمودار ۱، نشان‌دهنده درصد وقوع فرآیندهای ۲۲گانه مکشوف است، تا میزان استفاده آنها را ملموس‌تر نشان دهد. همان‌طور که نشان داده می‌شود، فرآیند بن‌ساختی اسم + بن مضارع با حدود ۲۵ درصد یعنی یک‌چهارم مجموع، در صدر قرار دارد و پس از آن هم، ترکیب اضافی مقلوب با ۱۵ درصد، اسم + اسم با کسره اضافه بالقوه و اسم + (و) + اسم هم با ۱۱/۵ درصد قرار می‌گیرد و فرآیندهایی که تنها ۱ مورد بسامد وقوع داشته‌اند هم در خانه‌های ۱۴، ۱۸، ۲۰ و ۲۱ با تنها ۲۰۲ هزارم درصد در انتها قرار می‌گیرد.

فرهنگ معاصر (امروز) صدری افشار

مراحل طی‌شده برای استخراج کلمات مرکب در فرهنگ انوری، دقیقاً در فرهنگ صدری افشار هم اجرا شد و تعداد ۶۰۵ سرمدخل مرکب به دست آمد. در مطالعه ساختاری و گاه معنایی آنها، ۲۵ فرآیند واژه‌سازی مشخص شد که در جدول ۲ نمایش داده می‌شود. نمودار ۳ و ۴ هم به ترتیب تعداد بسامد وقوع و درصد آنها را نشان می‌دهد.

جدول ۲- فرآیندهای ترکیب‌ساز موجود در سرمدخل‌های مرکب صدری افشار با مثال

ردیف	فرآیندهای ترکیب‌ساز	ردیف	فرآیندهای ترکیب‌ساز
۱	اسم + اسم (اضافی مقلوب) = آیین‌نامه	۱۴	حرف اضافه + صفت مفعولی = برافروخته
۲	اسم + اسم (کسره اضافه بالقوه) = آب مروارید	۱۵	حرف اضافه + اسم + صفت مفعولی = بر باد رفته
۳	اسم + صفت مفعولی = آب آورده	۱۶	حرف اضافه + اسم = برخلاف
۴	اسم + بن مضارع = آب بند	۱۷	فعل امر + (و) + فعل امر = بخور و بخواب
۵	اسم + حرف اضافه + اسم = ابتدا، ساکن	۱۸	صفت + بن مضارعی که معنای صفت مفعولی دارد = پاک‌نویس
۶	اسم + (و) + اسم = آب و جارو	۱۹	اسم + بن مضارعی که معنای صفت مفعولی دارد = حلق‌آویز
۷	اسم + پیشوند + بن مضارع = آتش بیار	۲۰	حرف اضافه + اسم + بن مضارع = پشت‌میزنشین
۸	اسم + صفت = آدم برفی	۲۱	صفت + (و) + صفت = تگه پاره
۹	صفت + اسم = آزادمرد	۲۲	اسم + (و) + اسم + (و) + اسم = شتر گاو پلنگ
۱۰	حرف اضافه + اسم + صفت = از خود راضی	۲۳	اسم + پیشوند + صفت مفعولی = آدم ندیده
۱۱	حرف اضافه + اسم + اسم = از خود بیگانگی	۲۴	قید + اسم = همیشه بهار
۱۲	اسم + اسم (اسم اول صفت) = آسیاچرخ	۲۵	صفت + بن مضارع = کم‌فروش
۱۳	اسم + اسم (اسم دوم صفت) = آسمان‌جل		

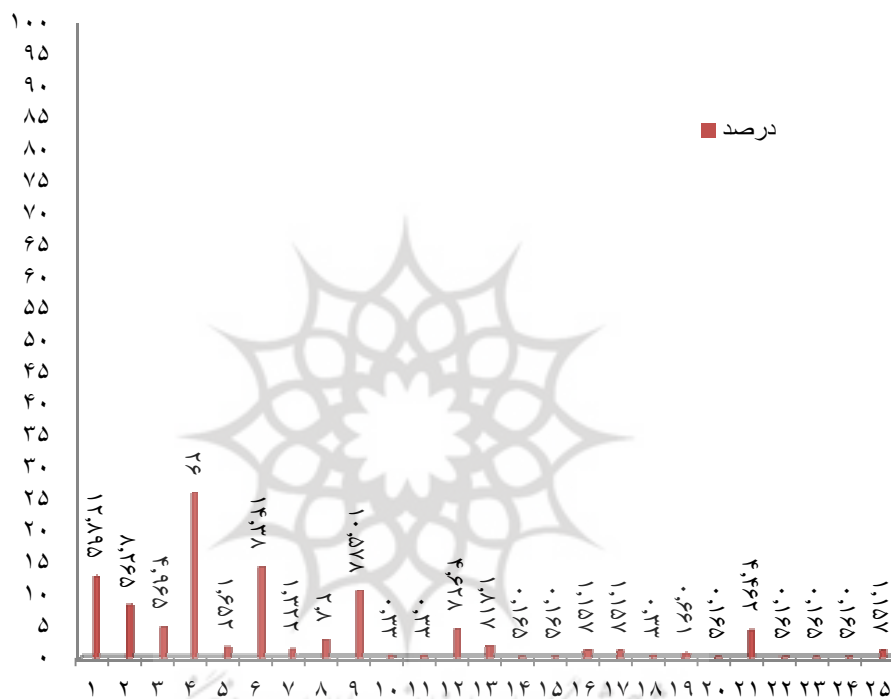


شکل ۳- نمودار بسامد وقوع فرآیندهای ترکیب‌ساز موجود در سرمدخل‌های مرکب صدری افشار

توصیف نمودار ۳

در این نمودار، با تعداد تکرار فرآیندهای ترکیب‌ساز موجود در سرمدخل‌های مرکب صدری افشار مواجه هستیم. به طور معمول محور عمودی، تعداد کل ترکیبات، یعنی ۶۰۵ و محور افقی، تعداد کل فرآیندهای موجود، یعنی ۲۵ مورد مختلف را نشان می‌دهد. تفاوت عمده فرآیندهای موجود در فرهنگ انوری و صدری افشار هم در همین تعداد آنهاست که در تحلیل نمودار، بدان خواهیم پرداخت. از مجموع ۶۰۵ مورد یافت شده در فرهنگ صدری افشار، همانند فرهنگ انوری، فرآیند بن‌ساختی اسم + بن مضارع با ۱۵۸ مورد، پربسامدترین فرآیند موجود نام گرفته است و پس از آن اسم + (و) + اسم با ۸۷ مورد و اسم + اسم (ترکیب اضافی مقلوب) با ۷۸ مورد در رده‌های بعدی قرار می‌گیرد. فرآیند صفت + اسم و اسم + اسم (با کسره اضافه بالقوه) هم با ۶۴ و ۵۰ مورد وقوع در این نمودار نشان داده می‌شود. اسم + صفت

مفعولی، اسم + اسم (که اسم اول، نقش صفت است)، صفت + (و) + صفت، اسم + صفت، اسم + اسم (با کسره اضافه بالقوه) هم با کمتر از ۱۰ مورد وقوع نشان داده شده است. فرآیندهای حرف اضافه + صفت مفعولی، حرف اضافه + اسم + بن مضارع اسم + (و) + اسم + (و) + اسم، اسم + پیشوند + صفت مفعولی و قید + اسم هم تنها با ۱ مورد، در انتها قرار می‌گیرد.



شکل ۴- نمودار درصد وقوع فرآیندهای ترکیب‌ساز موجود در
سرمدخل‌های مرکب صدری افشار

توصیف نمودار ۴

پیرو ارقام مندرج در نمودار ۳، این نمودار به بیان عینی‌تر درصد وقوع فرآیندهای مستخرج در سرمدخل‌های مرکب صدری افشار می‌پردازد.

از میان ۲۵ فرآیند موجود، فرآیند اسم + بن مضارع با ۲۶ درصد از مجموع، مشابه فرهنگ انوری با یک‌چهارم کل، بیشترین رقم را دارد و فرآیندهای اسم + (و) + اسم با ۱۴/۳، اسم + اسم (اضافی مقلوب) با ۱۳/۸ و صفت + اسم با ۱۰/۵ در رده‌های بعدی قرار دارد. فرآیندهای تک‌موردی هم با ۱۶۵ هزارم درصد در انتها قرار می‌گیرد.

تحلیل مقایسه‌ای نمودارهای انوری و صدری افشار

مهم‌ترین نکته در تحلیل فرآیندهای ترکیب‌ساز در دو فرهنگ لغت انوری و صدری افشار، تعداد آنهاست. در فرهنگ انوری، ۲۲ فرآیند مختلف با نوسان بسامد ۱ تا ۱۲۳ استخراج شده است. این مقادیر برای فرهنگ لغت صدری افشار، ۲۵ فرآیند و نوسان بسامد هم از ۱ تا ۱۵۸ مورد بوده است.

از ۲۲ فرآیند موجود در انوری، ۱۸ مورد با صدری افشار مطابقت داشت و ۳ مورد از آنها در صدری افشار به کار نرفت. به عبارتی حدود ۸۰ درصد با هم هم‌پوشانی داشته‌اند. از مجموع ۲۵ فرآیند یافته‌شده در فرهنگ صدری افشار، ۲۰ مورد مشترک در فرهنگ انوری هم به کار رفته و ۵ مورد اصلاً به کار نرفته است. یعنی باز هم ۸۰ درصد با هم هم‌پوشانی داشته‌اند. به طور کلی در این دو فرهنگ لغت، ۲۸ فرآیند ترکیب‌ساز مختلف، حداقل برای یک‌بار به کار رفته است.

نکته مهم دیگر مربوط به بیشترین بسامد وقوع است که در هر دوی آنها، فرآیند بن‌ساختی اسم + بن مضارع، با اختلافی فاحش در صدر قرار دارد و ۲۵ درصد کلمات مرکب سرمدخل در هر یک از این دو فرهنگ لغت، از این فرآیند ساخته شده است؛ فرآیندی که ظاهراً نحوی است و قابل پیش‌بینی و طبق اصل اقتصاد فرهنگ‌نویسی نباید در فرهنگ‌های لغت ذکر گردد، ولی به دلیل اینکه این کلمات مرکب بن‌ساختی مورد استفاده روزمره زیاد گویشوران است و در واقع کلمه شده‌اند و در واژگان ذهنی افراد قرار گرفته‌اند، هر دو گردآورنده از این فرآیند استفاده زیادی کرده‌اند.

جدول ۳- ترکیبات با کسره اضافه بالفعل

ردیف	ترکیب	صدری افشار	انوری
۱	اسب آبی	✓ ولی اسب عربی یا اسب مراد را از زیرمدخل	زیرمدخل «اسب»
۲	استراق سمع	✓	زیرمدخل استراق
۳	امرار معاش	✓	زیرمدخل «امرار»
۴	تارک دنیا	✓	زیرمدخل «تارک»
۵	تخت روان	✓	زیرمدخل «تخت»
۶	اسب دریایی	✓ ولی اسب مراد یا اسب عربی زیرمدخل	زیرمدخل «اسب»
۷	بارهنگ آبی	✓	- ندارد نه زیرمدخل، نه سرمدخل
۸	پشت میز نشین	✓	-
۹	باغ وحش	✓ ولی باغ گل یا باغ مکی زیرمدخل	زیرمدخل «باغ»
۱۰	تخم مرغ	- زیرمدخل تخم	✓ سرمدخل
۱۱	خارج قسمت	✓	زیرمدخل «خارج»
۱۲	مرگ موش	✓	زیرمدخل «مرگ»
۱۳	تخت خواب	✓ ولی تخت تاشو زیرمدخل	✓
۱۴	رختخواب	✓	✓
۱۵	گوشت کوبیده	✓ ولی گوشت راسته زیرمدخل	✓
۱۶	گوشت خر (نوعی گیاه)	✓ گوشت درونی- زیرمدخل	زیرمدخل «گوشت»
۱۷	گوشت موش	✓	زیرمدخل «گوشت»
۱۸	وحدت وجود (ولی کثرت وجود نیست)	✓ ولی وحدت وجودی هم سرمدخل	زیرمدخل ولی وحدت وجودی سرمدخل (ولی کثرت وجود نیست)

تکرار وقوع فرآیندهای رده‌های بعد هم تقریباً متنظر با هم هستند؛ یعنی از ترکیب‌های اضافی مقلوب، اسم + اسم با کسره اضافه بالقوه، اسم + (و) + اسم و ...، با ضریب اطمینان نود درصد، به طور یکسان استفاده شده است. کلمات مرکب سه‌جزیی در هر دو فرهنگ لغت، بسامد وقوع کمی داشته است و این مورد از نقاط مشابهت دیگر آنهاست.

در فرهنگ لغت انوری، فرآیندهای فعل امر + (و) + فعل امر، صفت + بن مضارعی که معنای صفت مفعولی دارد، حرف اضافه + اسم + بن مضارع، حرف اضافه + صفت مفعولی و حرف اضافه + اسم + صفت مفعولی اصلاً به کار نرفته است؛ در صورتی که در صدی افشار حداقل یک مورد از آنها یافت شده است. برعکس در فرهنگ صدی افشار، فرآیندهای اسم + حرف اضافه + اسم، قید + بن مضارع و اسم + (و) + اسم + صفت دیده نمی‌شود، حال آنکه در انوری، این فرایندها حداقل یک‌بار به کار رفته‌اند.

تفاوت عمده دیگر، وجود ترکیب‌هایی با کسره اضافه بالفعل در دو فرهنگ لغت است. از میان مجموع ۱۱۰۰ کلمه مرکب یافت‌شده، تنها ۱۸ مورد از آنها دارای کسره اضافه بالفعل بوده‌اند و از آنجا که این نوع ترکیبات هم کاملاً نحوی بوده و نباید در فرهنگ لغت به کار گرفته شوند، با نگاهی به آنها می‌توان فهمید که کاربرد بسیار زیاد گویشوران فارسی از این نوع ترکیبات، مؤلفان فرهنگ‌های لغت را بر آن داشت تا آنها را در فرهنگ خود بگنجانند. از مجموع ۱۸ مورد یافت‌شده، صدی افشار ۱۷ مورد از آنها را سرمدخل قرار داده، ولی انوری تنها ۴ مورد از آنها را سرمدخل کرده و ۱۳ مورد از زیرمدخل گذاشته و یکی از آنها را اصلاً نه به عنوان سرمدخل و نه زیرمدخل نیآورده است. جدول ۳ نشان‌دهنده این ترکیب‌هاست.

نتیجه‌گیری

به طور کلی بررسی‌های انجام‌شده درباره سرمدخل‌های مرکب دو فرهنگ لغت فارسی انوری و صدی افشار، این نکته را نشان می‌دهد که هر دو گردآورنده به مفهوم کلمگی اعتقاد کامل دارند و آن را معیار در نظر گرفتن یک کلمه مرکب به عنوان سرمدخل می‌دانند. بدین معنی که کلمه مرکبی که حتی از طریق فرآیندی زایا، مثل

فرآیند بن‌ساختی اسم + بن مضارع ساخته می‌شود و از منظر صوری قابل پیش‌بینی هست هم می‌تواند به عنوان سرمدخل انتخاب شود، به شرطی که بسامد بالای استفاده، آن را به صورت یک کلمه در واژگان ذهنی گویشوران قرار دهد. هر چند این روش، با توجه به مفهوم کمینه‌گری و اصل اقتصاد فرهنگ‌نگاری - که طی آن، ذکر کلماتی که دارای ساختاری زایا هستند و گویشوران یک زبان، با استفاده از آن قاعده زایا می‌توانند کلمات بی‌شماری را تولید کنند - ناخوشایند است. طبق این معیار، پاسخ پرسش اول این تحقیق، مثبت است؛ زیرا در هر کدام از این فرهنگ‌ها، بیش از یک‌چهارم سرمدخل‌های مرکب، با فرآیند زایای بن‌ساختی ساخته شده‌اند. تمامی اینها، کلماتی هستند که به صورت یکپارچه و فارغ از نگاه صوری، در ذهن گویشور به عنوان یک کلمه شکل گرفته است؛ مثل در باز کن، مداد تراش، کاردان و

اگر گردآورندگان فرهنگ لغت به اصل کلمگی توجه نمی‌کردند و یا به عبارتی بهتر، اگر تأثیر این مفهوم نبود، شاید آنها این تعداد کلمه مرکب بن‌ساختی را هم مثل هزاران و یا میلیون‌ها کلمه مرکب بالقوه مشابه موجود در زبان فارسی، به عنوان سرمدخل انتخاب نمی‌کردند.

بررسی‌های انجام‌شده درباره سؤال دوم نشان می‌دهد که نویسندگان دو فرهنگ لغت، تقریباً روش واحدی در انتخاب کلمات مرکب به عنوان سرمدخل داشته‌اند؛ بدین صورت که از مجموع ۲۲ فرآیند مرکب‌سازی استخراج‌شده در فرهنگ لغت انوری و ۲۵ فرآیند مرتبط با فرهنگ لغت صدری افشار، ۲۰ فرآیند مشترک بوده است: یعنی نود درصد از فرآیندهای مرکب در انوری و هشتاد درصد در صدری افشار هم‌پوشانی داشته است.

بدین ترتیب اکنون می‌توان گفت که مؤلفان فرهنگ‌های لغت فارسی معاصر، کلمات مرکبی را هم که با قواعد واژه‌سازی ساخته می‌شود و مرحله کلمگی را گذرانده باشند، به عنوان سرمدخل انتخاب می‌کنند و همچنین روش‌های تقریباً واحدی برای انتخاب سرمدخل‌های مرکب دارند.

منابع

- آیت‌الله زاده شیرازی، سید مرتضی (۱۳۶۰) «آیا فرهنگ‌نویسی اسلامی از فرهنگ‌نگاری ملل دیگر تأثیر گرفته است؟»، مقالات و بررسی‌ها، شماره ۳۵ و ۳۶، صص ۵۳-۶۴، بازیابی در:
<http://www.noormags.ir>
- اشرف خان، علیم (۱۳۸۸) «فرهنگ‌نویسی فارسی در شبه‌قاره هند»، سراج‌الدین علی‌خان آرزو فرهنگ چراغ هدایت، نامهٔ انجمن، شمارهٔ ۳۳ و ۳۴، صص ۱۷۱-۱۸۶، بازیابی در:
<http://www.noormags.ir>
- انوری، حسن (۱۳۸۲) فرهنگ فشرده سخن، تهران، سخن.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۹۲) «نکاتی درباره فرهنگ‌نگاری»، مجله علمی و فرهنگی بخارا، شماره ۹۳، صص ۶-۱۵، بازیابی در: <http://www.noormags.com>
- پرهام، عبدالرحمن (۱۳۸۶) «تبیین برخی کاستی‌های سنت قاموس‌نگاری فارسی»، مطالعات ادبیات تطبیقی، شماره ۴، صص ۲۷-۵۰، بازیابی در: <http://www.noormags.com>
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۵) «رویکردی نحوی - معنایی به واژه‌های مرکب زبان فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۳۹، صص ۱۴۷-۱۵۹.
- جعفری، زهرا (۱۳۹۲) «مروری بر مقوله نقد فرهنگ لغت و مبانی آن»، مجله فرهنگ‌نویسی، شماره ۵ و ۶، صص ۷۵-۹۲، بازیابی در: <http://www.noormags.ir>
- حق‌شناس، علی‌محمد (۱۳۷۰ الف) تاریخ مختصر زبان‌شناسی، تهران، مرکز.
- (ب) (۱۳۷۰) «بلوای واژه‌سازی»، در: مجموعه مقالات ادبی - زبان‌شناختی، تهران، نیلوفر، صص ۲۴۰-۲۵۵.
- (پ) (۱۳۷۰) «یک اصل ساده فرهنگ‌نویسی»، در: مجموعه مقالات ادبی - زبان‌شناختی، چاپ اول، تهران، نیلوفر، صص ۳۰۷-۳۲۰.
- خباز، مجید (۱۳۸۶) «جایگاه هسته در کلمات مرکب غیر فعلی فارسی»، مجله دستور، شماره ۳، صص ۱۵۳-۱۶۶.
- سارلی، ناصرتقی (۱۳۹۲) «جنبه‌های اجتماعی فرهنگ‌نویسی»، مجله فرهنگ‌نویسی، شماره ۵ و ۶، صص ۶۶-۷۴، بازیابی در: <http://www.noormags.ir>
- شریفی، ساغر و پروانه فخامزاده (۱۳۸۶) «مدخل‌گزینی در فرهنگ عمومی یک‌زبان»، مجله فرهنگ‌نویسی، شماره ۱، صص ۱۰۱-۱۲۴، بازیابی در: <http://www.noormags.ir>
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۸۸) «درس گفتارهای فرهنگ‌نگاری»، مجله فرهنگ‌نویسی، شماره ۲، صص ۱۵۷-۱۶۷، بازیابی در: <http://www.noormags.com>
- صدری افشار، غلامحسین و دیگران (۱۳۸۱)، فرهنگ لغت معاصر (ویراست چهارم)، تهران، فرهنگ معاصر.

- طباطبایی، علاءالدین (۱۳۸۶ الف) «نکاتی درباره آسیب‌شناسی برخی فرهنگ‌های فارسی»، مجله فرهنگ‌نویسی، شماره ۱، صص ۹۵-۱۰۰، بازیابی در: <http://www.noormags.ir>
- (۱۳۸۶ ب) «ترکیب در زبان فارسی ۱»، نامه فرهنگستان، شماره ۳۰، صص ۱۸۶-۱۹۶، بازیابی در: <http://www.noormags.ir>
- (۱۳۸۷ الف) «ترکیب در زبان فارسی ۲»، نامه فرهنگستان، شماره ۳۷، صص ۱۳۰-۱۳۶، بازیابی در: <http://www.noormags.ir>
- (۱۳۸۷ ب) «ترکیب در زبان فارسی ۳»، نامه فرهنگستان، شماره ۳۸، صص ۱۴۸-۱۵۷، بازیابی در: <http://www.noormags.ir>
- (۱۳۸۷ پ) «ترکیب در زبان فارسی ۴»، نامه فرهنگستان، شماره ۴۰، صص ۱۹۱-۲۰۲، بازیابی در: <http://www.noormags.ir>
- (۱۳۸۹) «ترکیب در زبان فارسی ۵»، نامه فرهنگستان، شماره ۴۱، صص ۱۶۳-۱۷۵، بازیابی در: <http://www.noormags.ir>
- (۱۳۸۹) «ترکیب در زبان فارسی ۶»، نامه فرهنگستان، شماره ۴۳، صص ۱۵۱-۱۶۵، بازیابی در: <http://www.noormags.ir>
- قطره، ف (۱۳۸۶) «نقش زبان‌شناسی در فرهنگ‌نویسی امروز»، مجله فرهنگ‌نویسی، شماره ۱، صص ۶۸-۹۴، بازیابی در: <http://www.noormags.ir>
- محمودی بختیاری، بهروز (۱۳۸۹) «ترکیب‌های نحوی در زبان فارسی»، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، شماره ۹۳، صص ۳۲-۳۷.
- مرادی، نورالله (۱۳۹۲) «پرونده فرهنگ‌نگاری: سیر فرهنگ‌نگاری در ایران»، کتاب ماه (کلیات)، شماره ۱۸۹، صص ۳-۹، بازیابی در: <http://www.noormags.com>
- نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۸۶) «تاریخچه فرهنگ‌نویسی عامیانه فارسی»، مجله فرهنگ‌نویسی، شماره ۱، صص ۱۶۷-۱۸۳، بازیابی در: <http://www.noormags.ir>
- وثوقی، حسین (۱۳۸۳) «واژه‌شناسی و واژه‌نگاری در زبان فارسی، تهران، باز. هاشمی میناباد، حسن (۱۳۷۰) «بلبشوی فرهنگ‌نویسی (پیرامون دو فرهنگ لغات جدید الانتشار)»، ادبستان فرهنگ و هنر، شماره ۲۱، صص ۱۸-۲۱، بازیابی در: <http://www.noormags.ir>
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۶۹) «بحثی در فرهنگ‌نگاری و فرهنگ دوزبانه فارسی - انگلیسی و انگلیسی - فارسی»، مجله دانش، شماره ۶۲، صص ۱۷-۲۲، بازیابی در: <http://www.noormags.com>

Apresjan, Juric (2000) Systematic Lexicography, London: Oxford University Press. Retrieved from <http://www.bookfi.org>.

Aronoff, Mark (2007) Language: Between Words and Grammar, In Jarema, G, and Libben, G (Eds.), The Mental Lexicon: Core Perspective (pp. 55-80)

- Amsterdam: Elsevier Publications.
- Aronoff, Mark and Fudeman, Kirsten (2011) *What Is Morphology?* (2nd Edition) West Sussex: Wiley-blackwell.
- Artsein, Ron (2005) Coordination of Parts of Words. In *Lingua* (115) (pp. 359-393) Retrieved from <http://www.elseviere.com/Locate?Lingua>.
- Baayen, Harald (2007) Storage and Computation in the Mental Lexicon. In Jarema, G. and Libben, G (Eds.), *The Mental Lexicon: Core Perspective* (pp. 81-104) Amsterdam: Elsevier Publications.
- Bauer, Laurie (1983) *English word-Formation*. Cambridge: Cambridge university press.
- (2008) Dvandva. In *Word Structure* 1(1) (pp. 1-20) DOI: dx.doi.org/10.3366/E1750124508000044.
- (2010) An Overview of Morphological Universals. In *Word structure* (2, 3) (pp. 131-140) Edinburgh: Edinburgh University press. Retrieved from <http://www.evpjournals.com>.
- Booij, Geert (2007) *The Grammar of Words; An Introduction To Morphology* (2nd Edition) New York: Oxford University Press.
- Booij, Geert et al (2000) *An International Handbook on Inflection and Word-Formation*. Berlin: Walter De Gruyter (pp. 312-417)
- Cabre, Teresa (1999) *Terminology: Theory, Methods and Applications*. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company. Retrieved from <http://www.bookfi.org>.
- Caie, Graham (2006) *The Power of Words: Essays in Lexicography, Lexicology and Semantics*. Amsterdam: Rodopi. Retrieved from <http://www.bookfi.org>.
- Carstairs-MacCarthy, Andrew (1992) *Current Morphology*. London: Routledge.
- Chomsky, Noam (1970) Remarks on Nominalization. In Jacobs, R.A. and Rosenbaum, P.S (Eds.), *Readings in English Transformational Grammar* (pp. 184-221) Retrieved from <http://www.babel.ucsc.edu/hank>.
- Convington, Michael (1981) Evidence For Lexicalism: A Critical Review. In *Indian University Linguistics Club* (Reproduced) Indiana. Retrieved from <http://www.ai.uga.edu>.
- Crystal, David (1997) *Dictionary of Linguistics and Phonetics* (4th Edition) UK: Blackwell.
- Dressler, Wolfgang (2007) Productivity in Word Formation. In Jarema, G. and Libben, G (Eds.), *The Mental Lexicon: Core Perspective* (pp. 81-104) Amsterdam: Elsevier Publications.
- Fontenelle, Thierry (2011) Lexicography. In Simpson, J (Ed.), *The Routledge Handbook of Applied Linguistics* (pp. 53-67) London: Routledge. Retrieved from <http://www.bookfi.org>.
- Greenberg, Joseph Harold (1963) *Universals of Language*. London: MIT press.
- Guevara, Emiliano and Scalise, Sergio (2007) Searching For Universals in Compounding. In *Universals of Language Today* (76) (pp. 101-128) Retrieved from: <http://www.Link.Springer.com>.
- Hudson, Grover (2000) *Essential Introductory Linguistics*. Oxford: Blackwell publishers Ltd.
- Ison, Robert (1992) Lexicography. In *International Encyclopedia of Linguistics*

- (vol. 2, pp. 330-332) London: Oxford University Press.
- Igor, Melcuk (1992) Lexicon. In International Encyclopedia of Linguistics (vol. 2, pp. 332-334) London: Oxford University Press.
- Jackson, Howard (2002) Lexicography: An Introduction. London: Routledge. Retrieved from <http://www.bookfi.org>.
- Jacobs, Roderick and Rosenbaum, Peter (1970) Readings in transformational Grammar. Cambridge : Ginn and Company.
- Katamba, Francis (1993) Morphology. London: Palgrave Macmillan.
- Lieber, Rochelle (2009) Introducing Morphology. Cambridge: Cambridge University Press.
- Mendikoetxea, Amaya and uribe-Etxebarria, Myriam (1997) The Morphology – syntax Interface. ASJU Geh (40) (PP: 11 – 37) Retrieval from <http://www.ehn.es>.
- Publication Manual of the APA (6 Th Edition) (2012) Washington D.C.: American Psychological Association.
- Renner, Vincent (2008) On The semantics of English coordinate Compounds, in English studies. 89 (5) (PP: 606-613) London: Routledge.
- Richards, Jack C. et al (1992) Dictionary of Language Teaching and Applied Linguistics (2nd edition) Essex: Longman Group Ltd.
- Sager, Luan C. (2000) Essays on Definition (Terminology and Lexicography Research and Practice) Amsterdam: John Benjamins Publishing Company. Retrieved from <http://www.bookfi.org>.
- Scalise, Sergio. and Bisetto, Antonietta (2012) The classification of Compounding. In The Oxford Handbook of Compounding. DOI: 10/1093/oxfordhb/9780199695720.001.0001.
- Spencer, Andrew (1991) Morphological theory. Oxford: Blackwell publishers Ltd.
- Spencer, A. and Zwicky, Arnold M. (2007) The Handbook of Morphology. Blackwell Reference Online. DOI: 10.1111/b.9780631226949.2007.00003.x
- Sproat, Richard (1992) Lexicon in Formal Grammar. In International Encyclopedia of Linguistics (vol. 2, pp. 334-336) London: Oxford University Press.
- Stekauer, Pavol and Lieber, Rochelle (2005) Hand book of word-Formation. Dordrecht: Springer.
- Sterkenburg, Piet V. (2003) A Practical Guide to Lexicography. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company. Retrieved from <http://www.bookfi.org>.